

مبانی قرآنی و روایی مسئولیت مدنی قاضی و جریان آن در قوانین موضوعه

* مهدی بهره مند

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۱۵

** احمد رضا توکلی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۷

*** محمد هادی مهدوی

چکیده

در این مقاله به مبانی قرآنی و روایی مسئولیت مدنی قاضی ناشی از اشتباه و تقصیر پرداخته شده است. با عنایت به منصب مهم قضاء که در راستای احقاق حق جامعه و اشخاص تأسیس شده است، از دیدگاه فقه و حقوق قاضی بایستی شرایط ویژه‌ای داشته باشد تا بتواند رسالت خود را در جهت تحقق عدالت فردی و اجتماعی ایفاء نماید و به منظور دستیابی به این مهم دستگاه قضائی نیازمند قضات و دادرسان مطلع به مبانی فقهی و حقوقی موضوعات و احکام، مستقل و دارای مصونیت کافی است که فارغ از هرگونه اهداف و اغراض شخصی صرفاً بر اساس قانون و قسط و عدل به حل و فصل دعوی و خصومت بپردازد ولی در عین این مصونیت و استقلال به منظور جلوگیری از خودرأیی و خودمحوری و انحراف احتمالی قاضی، مسئولیت وی در نظام حقوقی اسلام به استنباط از قرآن و روایات پیش بینی شده است تا ایشان پاسخگوی تصمیمات ناشی از اشتباه و تقصیر خود در قبال افراد متضرر از این تصمیم باشد تا امید و انتظار جامعه از دستگاه قضائی مبدل به یأس نگردد.

کلیدواژگان: ضمان قهری، حکم، مصونیت، نفی ضرر، قضاوت.

* دانشجوی دکتری فقه و حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Mehdi.bahrehand@yahoo.com

** استادیار، فقه و حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

a_tavakoli44@yahoo.com

*** استادیار، فقه و حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

h1.hadimahdavi@yahoo.com

مقدمه

هرچند که قاضی از مصونیت و اقتدار برخوردار است اما بحث در این است که آیا این مصونیت رافع مسئولیت وی می‌باشد یا خیر؟ آیا در نظام قضائی مکانیسم و ضمانت‌هایی در راستای جلوگیری از خودرایی و تقلیل و پی‌گیری تصمیمات ناشی از اشتباه و تقصیر قاضی وجود دارد یا خیر؟ لذا به منظور پاسخگویی به این دسته سؤالات و شبهات می‌طلبد که پژوهش و تحقیقات و مقالاتی از سوی دکترین، حقوقدانان و دانشجویان این حوزه به عمل آید تا موضوع به درستی تبیین و شفاف گردد که حکم شرعی منطبق با قرآن و روایات در جهت کنترل و نظارت بر کار و تصمیمات قاضی از سوی شرع مقدس اسلام بر مبنای قرآن و احادیث و به تبع آن در قوانین موضوعه پیش بینی شده است تا روشن شود که قاضی علی‌رغم مصونیت در قبال ضررهای وارده بر اصحاب دعوی که ناشی از تقصیر و اشتباه وی باشد مسئولیت مدنی دارد و ملزم به جبران خسارت می‌باشد. در این مقاله با مراجعه به منابع شرع اسلام یعنی قرآن و روایات و مآخذ فقهی و حقوقی و استنباط از این منابع به این موضوع پرداخته شده است که علی‌رغم مصونیت قضائی پیش‌بینی شده برای قضات در نظام قضائی اسلام نمی‌توان وی را به منظور حفظ مصالح پنج‌گانه مردم از جمله جان و مال، مصون از ضررهای و خسارات وارده ناشی از تصمیمات و احکام صادره وی دانست و این ضمانت به حجیت استنباط از آیات قرآن مجید و روایات می‌باشد.

پیشینه تحقیق

۱. ابهری، حمید و نوروزی، ناصر. مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران، ۱۳۹۰،

انتشارات جنگل، تهران

اصولاً مسئولیت مدنی، متوجه کسی است که خطائی را مرتکب شده باشد و به همین خاطر مسئول است و لا جرم به حکم قانون و نیز به حکم عقل و عرف و شرع، آثار سنگینی خطائی را که مرتکب شده است، تحمل نماید. نه فقط اخلاق، بلکه شرع نیز بنا به قاعده لاضرر و لا ضرار فی الاسلام، تحمیل این آثار و سنگینی آن بر شخص خطاکار را تجویز نموده و جامعه بی ضرر را آرزومند است.

۲. اصغری، آقمشهدی، فخر الدین. مسئولیت مدنی قاضی، ۱۳۸۵، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازنداران، ش ۷، سال دوم

مرجع احراز ارتکاب اشتباه یا تقصیر قاضی دادگاه انتظامی قضات است. از این رو زیان دیده باید ابتدا برای اثبات تقصیر یا اشتباه به دادگاه مزبور شکایت نماید. در صورت موفقیت در شکایت مطروحه، بر اساس آن برای جبران خسارت به دادگاه عمومی دادخواست تقدیم کند.

۳. صالحی مازندرانی، محمد. تأملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی ۱۳۸۴، مجله فقهی و حقوق، دانشگاه تهران

مطابق اصول کامل مسئولیت مدنی و قواعد موجود، هر کس موجب ورود خسارت به دیگری شود دارای مسئولیت شخصی است و باید زیان وارده را شخصاً پرداخت نموده و با مال خود، جوابگوی شخص زیان دیده باشد و زیان ناشی از تقصیر قاضی در زمان صدور حکم نیز پس از احراز و اثبات تقصیر قاضی در مرجع صالح، باید توسط قاضی مقصر جبران شود، فقط زیان ناشی از قصور (اشتباه یا خطا) قاضی، توسط دولت جبران می شود.

مسئولیت

۱. معنای لغوی و اصطلاحی مسئولیت

مسئولیت بر وزن مفعولیت واژه‌ای عربی و از نظر دستوری مصدر جعلی بوده و مشتق از سأل - یسأل می باشد.

در معانی مسئول بودن، موظف بودن به آنچه انسان بر عهده دارد و مکلف به انجام آن می باشد به کار رفته است (سیاح، ۱۳۵۴، ج ۲: ۲۱۵)، مورد پرسش و سؤال واقع شدن است، غالباً به مفهوم تفکیک وظیفه و آنچه که انسان عهده دار و مسئول آن باشد (عمید، ۱۳۵۳، ج ۲: ۹۵).

در اصطلاح عبارت از تعهد قانونی شخص است به دفع ضرر دیگری که وی به او وارد آورده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۶۴۲).

۲. تعریف مسئولیت مدنی

عبارت از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان واردشده به دیگری دارد اعم از اینکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد (حسینی نژاد، ۱۳۷۰: ۱۳).

تقصیر

۱. معنای لغوی تقصیر

سستی کردن، کوتاهی کردن، قصور، کوتاهی، بازماندن از چیزی، گذاشتن چیزی را به علت نتوانستن، قصر عنه یعنی گذاشتن آن را چون که نتوانست، آرمیدن، فرو نشستن درد و خشم، سهو، غفلت، غلط، گناه، جرم، عیب (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۸۷۹).
تقصیر در لغت خودداری از انجام عملی با وجود توانایی صورت دادن آن عمل را گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۱۷۵).

۲. تعریف فقهی تقصیر

در فقه تعریف واضحی از تقصیر نشده است بلکه موارد آن مطرح شده است از جمله مبنای ضمان در موارد معین و مذکور در کتاب دیات و غضب، برخی از فقها به تعریف پاره‌ای از مصادیق و انواع تقصیر پرداخته‌اند از جمله تعدی و تفریط و در تعریف آن‌ها آورده‌اند که تعدی به انجام فعلی گفته می‌شود که ترک آن لازم و ضروری است، و تفریط نقطه مقابل آن است یعنی ترک کردن فعلی که باید انجام شود.

۳. تعریف حقوقی تقصیر

عبارت است از رفتار نمودن بدان گونه که باید رفتار شود و انجام ندادن امری که باید انجام شود، و همچنین تقصیر عبارت است از ترک عملی که شخص ملزم به کردن آن است یا ارتکاب عملی که از انجام دادن آن منع شده است قسمت نخست را تفریط و قسمت دوم را تعدی نامند، علامت تقصیر در حقوق مدنی این است که ضمانت اجراء آن جبران خسارت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۱۷۵). و همچنین تقصیر به انجام عمل

نامشروع، تجاوز از عهد، تجاوز از رفتار عادی، نقض قرار داد یا عرف تعبیر شده است. تقصیر قاضی عبارت است از تجاوز و تخطی از وظیفه‌ای که قوانین و مقررات برای فرد موظف (قاضی) مقرر داشته است، قانون اساسی در خصوص تقصیر، شخص قاضی را ضامن دانسته و افراد حق دارند و می‌توانند علیه قضات به دستگاه قضایی شکایت نمایند. این موضوع را می‌توان مشمول قاعده کلی در اصل سی و چهار قانون اساسی دانست که مقرر می‌دارد «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید». بنابراین خسارت دیده برای جبران ضرر و زیان وارده به خود که ناشی از تعقیب و رسیدگی و صدور حکم می‌باشد حق مراجعه به دستگاه قضائی مربوطه را دارد (هاشمی، ۱۳۸۳: ۴۰).

اشتباه

۱. معنای لغوی اشتباه

از ریشه لغوی "شبه" و در لغت به معنای مانند شدن یا چیزی یا کسی به جای چیزی یا کسی گرفتن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۷۴). اشتباه به معنای تصور خلاف واقع از چیزی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۴۵). اشتباه یعنی تصور خلاف انسان از واقعه، چندان که امر موهومی را موجود یا موجودی را موهوم بیندارد، اشتباه انسان از ناآگاهی و جهل او به امر واقع مایه می‌گیرد و خود ممکن است از بی دقتی و بی مبالاتی و نداشتن توجه کامل به امور ناشی شود. مفهوم حقوقی اشتباه به طور کلی تصور نادرستی است که آدمی از موضوع پیدا می‌کند و قصور افعالی را مرتکب شود که او را متعهد و یا ملزم سازد، حال چه بسا اگر در آغاز به این موضوع واقف بود هیچ گاه میل واراده او بر ارتکاب این افعال قرار نمی‌گرفت (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۷). اشتباه قاضی وقتی است که وی بدون قصد و نیت و به دلایل دیگر موجب ضرر و زیان شود (هاشمی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۵۴).

۲. تفاوت اشتباه و تقصیر

اشتباه ناظر به قصور دادرسی می‌شود و تقصیر به حالتی که در آن تدلیس و سوء نیت و عمد است خواه انگیزه آن جلب منفعت باشد (مانند اخذ رشوه) یا دفع ضرر (مانند ترس)

یا انتقامجویی و مانند این‌ها می‌باشد، اشتباه در صورتی ساده است که آلوده به امر نامشروع نشود و در اثر القاء شبهه از سوی دو طرف دعوی یا شهادت نادرست و اقرار بر خلاف یا پیچیدگی و نارسائی مفهوم یا متروک مانند آن یا نقص در حافظه و قدرت اجتهاد و مانند این‌ها دست دهد و مانع از دستیابی قاضی به عدالت و حق شود ولی تقصیر آلوده به امر نامشروع است و قاضی دانسته به راه صواب می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۸).

همچنین بی‌مبالاتی نابخشودنی و بی‌اعتنایی به قوانین و حتی عرف و رسوم قضایی را باید بر قلمرو تقصیر افزود، مثلاً ممکن است قاضی رویه‌ها و کتاب‌های حقوقی را نخواند، یا مشورت نکند یا در قضاوت شتابزده تصمیم بگیرد، یا قانون را فدای باورها و انگیزه‌های اخلاقی، سیاسی مورد احترام خود سازد...؛ اینگونه کارها را که قانون یا عرف مسلم قضائی واجب یا حرام می‌شمرد باید در زمره تقصیرها آورد نه اشتباه، خطای سبک و قابل اغماض اشتباه است و خطای سنگین تقصیر و در حکم عمد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

۳. موجبات اشتباه قاضی

عواملی که می‌تواند موجب اشتباه قاضی در رسیدگی و صدور حکم شود بر سه فرض استوار است:

۱- ممکن است اشتباه ناشی از قانون یا ساماندهی کلی دستگاه قضایی باشد که در این صورت چون نارسایی مربوط به نحوه اعمال قدرت عمومی است لذا دولت ضامن است و دولت با اینکه خسارت وارده را از بیت المال می‌پردازد راهی برای دولت برای مطالبه پرداختی نیست.

۲- ممکن است عامل اشتباه مربوط و منتسب به قانون یا سازمان دولتی و دستگاه قضائی نباشد بلکه مربوط به تخلفات و سهل‌انگاری‌های کارمندان و مأمورینی باشد که اسباب و لوازم مقدمات پرونده را فراهم نموده‌اند، لذا موجب اشتباه قاضی شده‌اند در این حالت هم نمی‌توان مسئولیت و ضمان قوه قضائیه را در مقابل خسارت دیده، نادیده گرفت لیکن دستگاه مربوطه حق دارد از طریق مقتضی خساراتی را که به دولت وارد شده است را مطالبه نماید (هاشمی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۷۲).

۳- ممکن است عامل اشتباه به خود قاضی برگردد که خود دو صورت دارد یا اشتباه قاضی در موضوع قانون است یا در حکم.

الف- اشتباه قاضی در موضوع قانون: عبارت است از تصور امر خلاف واقع از ناحیه قاضی نسبت به موضوع دعوی مطروحه در دادگاه یا در تشخیص مرتکب جرم که در نتیجه آن، ضرر و زیان به کسی وارد می‌شود (ولیدی، ۱۳۸۶: ۵۱).

ب- اشتباه قاضی در حکم: اشتباه حکمی، اشتباهی است که نسبت به قانون و تفسیر آن صورت گیرد. اشتباه حکمی از ناحیه قاضی را می‌توان قصور امر خلاف واقع از قانون و مقررات لازم‌الاتباع از ناحیه وی که حد اعلای آن جهل نسبت به قانون تلقی می‌شود به حساب آورد (ولیدی، ۱۳۸۶: ۵۲).

مبانی قرآنی مسئولیت مدنی قاضی

۱. قرآن: قرآن کریم اولین و مهم‌ترین منبع فقه و حقوق اسلام است و بنابراین در مسئولیت مدنی هم مهم‌ترین منبع است هرچند که لفظ مسئولیت مدنی صریحاً در قرآن مجید نیامده است اما این تأسیس حقوقی از آیات آن قابل استنباط است.

﴿اوفوا بالعهدان العهدان مسئولا﴾ (اسراء/ ۳۴)

«به عهد خود وفا کنید که از عهد سؤال خواهد شد»

این آیه اشعار می‌دارد که به آنچه عهد و پیمان می‌بندید وفا کنید چراکه پیمان بازخواست و سؤال دارد. از این رو بایستی طبق شرایط و مفاد پیمان عمل کرد و اگر خلاف آن به عمل آید قابل بازخواست است و مسئولیت دارد. بدین توضیح که نقض عهد و پیمان یک نوع تقصیر است و هر کس به محض اینکه به عهد خود عمل نکند تقصیر کرده است، و مکلف به جبران خسارت و زیان‌های وارده از این تقصیر است و بنابراین آنچه از این آیه مستنبط است این است که هر کس به موجب تقصیر خود خسارتی به شخصی وارد کند مسئول جبران آن است؛ چه این خسارت ناشی از عهد شکنی و عمل نکردن به مفاد قرار داد باشد یا خارج از قرار داد باشد که همان ضمان قهری است، و مسئولیت مدنی قاضی، مسئولیت خارج از قرار داد است که مشمول ضمان قهری است به عبارتی مسئولیت مدنی در ضمان قهری هم ناشی از تقصیر است.

﴿مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا لَاطْأًا وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ﴾ (نساء/۹۲)

«هیچ فرد مؤمنی نباید مؤمنی را به قتل برساند مگر از روی خطا و اگر مؤمنی را از روی خطا به قتل برساند باید یک برده مؤمن آزاد کند و خون بهایی به کسان او بپردازد»

این آیه به پرداخت دیه در مورد قتل خطائی حکم کرده است و پرداخت دیه ناشی از قرارداد بین عامل زیان و زیان دیده نیست. به عبارتی مسئولیت ناشی از قرارداد نیست بلکه این مسئولیت ناشی از ضمان قهری است لذا چنین استنباط می شود که شارع مقدس در راستای جبران خسارت وارده به شخص برای عامل و سبب خسارت مسئولیت مدنی قائل شده است که قضات هم از این قاعده مستثنی نیستند و در قبال آراء و احکام صادره نادرست خود مسئولیت مدنی دارند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾ (نساء/۲۹)

«ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را میان خود به باطل نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت طرفین شما انجام گیرد»

«اکل» در این آیه به معنای تملک و تصاحب و مطلق تصرفات است به نحوی که باعث قطع تسلط غیر گردد، در اینجا حرمت و نهی اکل مال به باطل به هر دو به معنای تکلیفی وضعی است یعنی تصرف در اموال دیگران به باطل یک عمل نامشروع و گناه است، و همانند سایر اعمال کیفری و دارای مجازات، و از طرف دیگر عملی باطل است فاقد اثر حقوقی و دارای ضمان است و اطلاق کلمه باطل بیان گر عدم انحصار آن در اعمالی تحت عناوین تصرفات ممنوعه مثل سرقت، ربا، قمار، تدلیس، غضب است که در لسان شرع آمده بلکه شامل کلیه تصرفات است که بدون جهت و بدون استحقاق می باشد. بنابراین چنانچه قاضی در صدور حکم خطائی انجام دهد که مثلاً موجب سقوط طلب شخص گردد این خطای قاضی موجب کاهش دارایی زیان دیده و موجبات ضرر او را فراهم آورده است، اگرچه کاهش دارائی شخص محکوم علیه موجب افزایش دارایی قاضی نشده است ولی با توجه به اینکه علت و سبب اصلی این ضرر خطای قاضی بوده

است، چنانچه این خطا عمدی یا در حکم عمدی باشد قاضی شخصاً مسئولیت مدنی دارد و گرنه خسارت زیان دیده به وسیله دولت جبران می شود.

مبانی روائی مسئولیت مدنی قاضی

«ما اخطات القضاة فی دم او قطع فهو علی بیت المال المسلمین»: «اگر قضاة در صدور حکم خون و قطع عضو اشتباه کنند دیه بر عهده بیت المال است» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸: ۱۶۵).

اگر قاضی دچار اشتباه شود و در نتیجه اشتباه وی خسارتی به دیگری وارد گردد مانند اینکه به نفع کسی به مالی و یا ضرر کسی به قصاص و مانند آن حکم نماید، آنگاه معلوم می گردد که در حکم به خطا رفته ولی در اجتهاد مقصر نبوده ضامن نیست چون محسن است ضمان بر عهده بیت المال است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۴: ۷۹).

بنابراین طبق منطوق این نظریه فقهی ضمان وقتی بر عهده بیت المال است که قاضی مرتکب خطا شده باشد ولی در اجتهاد و تلاش برای یافتن حکم دعوای مطروحه مقصر نباشد. پس مفهوم مخالفش این است که چنانچه قاضی بدون اجتهاد و تلاش و بدون تفقه و استنباط عمل کند تقصیر کرده است لذا مسئولیت مدنی دارد و مسئولیت بر عهده خودش می باشد.

هرگاه خطای قاضی در حکمی که صادر نموده روشن شود حکم مزبور نقض می شود. در این صورت هر گاه به حکم مزبور عمل نشده باشد اشکالی ندارد ولی اگر عمل شده باشد یا حکم ناظر به قتل یا قطع عضو باشد و قاضی در صدور حکم مقصر نباشد به طور حتم قصاص بر او نیست، و دیه مقتول به استناد خبر / صبغ بن نباته از بیت المال پرداخت خواهد شد. چنانچه محکوم له از فساد دعوی خود آگاه بود و علی رغم این آگاهی طرح دعوی نموده باشد قصاص و ضمان بر محکوم له است، و هرگاه مورد حکم مال باشد چنانچه مال محکوم به موجود باشد به صاحبش مسترد می شود و اگر تلف شده باشد اگر محکوم له آن را دریافت کرده و نزد او تلف شده باشد ضامن آن خواهد بود و اگر محکوم له، محکوم به را به علت عدم دسترسی به آن مال دریافت نکرده باشد، و عالم به فساد دعوای خود نبوده اختلاف نظر است، برخی معتقدند که آن مال از

بیت المال پرداخت خواهد شد که این عقیده خالی از اشکال نمی‌باشد، زیرا خبر اصبع بن نباته به مورد خطا در خون و قطع عضو است. در این صورت محکوم له ضامن نمی‌باشد چوم مال را تصرف نکرده و قاضی به جهت آنکه شرعاً مأذون در امر قضاء بوده و مفروض است که مرتکب جرم و تقصیر نشده پس ضامن محسوب نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۳۹، ج ۳، ۲۸ و ۲۹). بنابراین چنانچه قاضی در رابطه با صدور حکم مبتنی بر خطا تقصیر کرده باشد خودش ضامن است و مسئولیت مدنی دارد.

قواعد فقهی مستند به روایات در مسئولیت مدنی قاضی

۱. قاعده ضمان: قاعده ضمان از نظر فقهی دارای مصادیق متعددی است اما در بحث مسئولیت مدنی قاضی، آنچه مورد استناد است عبارت است از ضمان بالاتلاف و ضمان بالتسبیب.

اتلاف آن است که شخصی مستقیماً و بدون واسطه در تلف کردن مال دیگری نقش داشته باشد.

«تسبیب آن است که شخصی به طور مستقیم در تلف مال و یا کسر شأن یا صدمات روحی و بدنی دیگری نقش نداشته لکن برای تحقق آن‌ها سبب سازی کرده است در این صورت آن شخص با رعایت سایر جهات، ضامن خسارتی است که به وجود آمده است» (مانند آنکه حکم به بازداشت شخص یا اموال آن شخص صادر کند یا حکم به محکومیت مالی او به نفع دیگری بدهد). البته قابل ذکر است هرچند که یکی از مبانی مسئولیت مدنی قاضی قاعده اتلاف است اما درباره قضاات کم‌تر رخ می‌دهد زیرا در حال انجام وظیفه قضائی به طور نادر ممکن است شخص مستقیماً موجب تلف شود و غالباً قضاات موجب اتلاف نمی‌گردند لذا به طور معمول مسئولیت قاضی از این فرض (اتلاف) منصرف است. پس مصداق غالب در مسئولیت مدنی قاضی همان تسبیب است و مستند آن اجماع و روایات است که به عنوان نمونه به برخی از آن روایات استناد می‌شود.

«من اخرج میزاباً او کنیفاً او اوند وتدا او اوثق دابه حفر بئراً فی طریق المسلمین فاصاب، فَعَطَبَ فهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۹: ۱۸۱): «هر کس ناودانی یا گودالی در میان راه مسلمین ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکب‌اش را بکوبد، یا چاهی در

راه مسلمین حفر کند و کسی به آن‌ها اصابت کند و به زمین بیفتد ضامن است». از امام صادق(ع) نقل شده است: «کل شیء یضُرّ بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۹: ۱۸۱): «هر کس در معبر عمومی به واسطه گذاردن چیزی موجب ضرر به دیگری شود ضامن است».

دسته‌ای از روایات تصریح بر این امر دارند که هر گاه به سبب شهادت غیر واقعی شخصی، فرد بیگناهی خسارت ببیند یا قطع عضو شود یا کشته شود شاهد مقابله به مثل می‌شود (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸: ۱۱۲).

بنابراین از مجموع روایات چنین استنباط می‌شود که به طور کلی هر گاه شخصی یا اشخاصی موجب خسارت، نقص مالی، جانی یا عرض و آبروی اشخاص دیگر شوند چه از طریق تدلیس و غرور یا در اثر اشتباه یا عمد باشد مسئولیت زیان‌های وارده بر عهده ایشان است لذا هر گاه در اثر تصمیم قضائی و صدور رأی مبتنی بر اشتباه یا تقصیر قاضی بر شخصی دچار خسارت شود باید جبران شود، با این تفاوت که در مقام قضاوت قاضی مسئول زیان‌های ناشی از اشتباه خود نمی‌باشد و صرفاً مسئولیت مدنی او محدود به تصمیمات ناشی از تقصیر و سوء نیت می‌گردد و در معرض زیان‌های ناشی از تصمیم مبتنی بر اشتباه او دولت و مسئولیت پرداخت خسارت را زیان دیده دارد.

۲. قاعده لا ضرر: قاعده لا ضرر یکی از مهم‌ترین قواعدی است مستند آن را اکثریت فقهاء و حقوقدانان اسلامی حدیث «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» دانسته‌اند که این قاعده مورد تأیید حکم عقل نیز می‌باشد، و مبنای اصلی مسئولیت مدنی و جبران خسارت است که طبق این قاعده هیچ نوع ضرر و اضرار بر آن مشروع و جایز نیست. فقهاء و حقوقدانان به شرح اللغه و فقه الحدیث این روایت پرداخته‌اند از جمله اینکه لا در این عبارت لا نفی جنس است و ضرر امر وجودی ضد نفع است و ضرار به معنای پافشاری و اصرار بر ضرر است و غیره البته مراد از نفی ضرر نفی آن در عالم تشریح است نه در عالم تکوین، و فقهاء در این زمینه تحلیل و نظراتی دارند از جمله:

۱. منظور از نفی ضرر در این حدیث آن است که در اسلام حکم ضرری نفی شده است، و هیچ حکمی مبتنی بر ضرر نیست بلکه احکام اولیه مادام که متضمن ضرر نباشد قابل اعمال هستند و همین که ضرری وجود داشته باشد حکم منتفی است یعنی لا ضرر

و لا ضرار فی الاسلام به معنای لا حکم ضرری فی الاسلام. بدین معنا که واژه حکم را در تقدیر گرفته و بگوئیم منظور رسول الله(ص) این است حکم ضرری در اسلام نیست. به عبارت دیگر هر حکمی که از ناحیه شارع صادر گردد مستلزم ضرر باشد از اجرای حکم، ضرری برای مردم حاصل شود طبق قاعده لا ضرر برداشته می‌شود. مثلاً در مورد کسی که آب برایش ضرر داشته باشد و جوب وضو به موجب قاعده لا ضرر برداشته می‌شود یا در معاملات غبنی اگر بیع لازم باشد حکم لزوم باعث ضرر مغبون می‌گردد لذا طبق این قاعده حکم لزوم به منظور جلوگیری از ورود خسارت به مغبون برداشته می‌شود و مغبون خیار فسخ خواهد داشت.

۲. در این قاعده نفی حکم کلی شده است به لسان نفی موضوع، به عبارتی موضوعاتی که دارای احکامی هستند اگر عناوین اولیه آن‌ها باعث ضرر شوند حکم‌شان برداشته می‌شود. مثلاً وقتی می‌گوییم وضو واجب است در اینجا وضو موضوع وجوب حکم است و وقتی گفته می‌شود بیع لازم است بیع موضوع و لزوم حکم است حال اگر این موضوعات ضرری باشند احکام آن‌ها برداشته می‌شود، یعنی اگر بیع باعث ضرر گردد حکم‌اش که لزوم است برداشته می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۴۳).

۳. عده‌ای نفی را حمل بر نهی کرده اما با این توجیه که پیامبر در مقام اجرای مقررات و نقش اجرایی و اعمال حاکمیت نهی حکومتی کرده است.

۴. مراد از حدیث لا ضرر نفی ضرر غیر متدارک است یعنی ضرر غیر متدارک در اسلام وجود ندارد.

۵. موضوعی که در جریان این قاعده مطرح است این است که آیا قاعده لا ضرر نقش بازدارنده دارد یا می‌تواند نقش سازنده هم داشته باشد. به عبارتی آیا قاعده لا ضرر نقش اثباتی هم دارد یا خیر؟ و آیا می‌توان از قاعده لا ضرر برای اثبات مسئولیت مدنی و لزوم جبران خسارت توسط شخصی که سبب ضرر شده است استفاده کرد که در این خصوص فقه‌ها دو دسته می‌شوند: گروهی که مفاد قاعده را نفی ضرر جبران‌نشده یا نهی از اضرار به غیر می‌دانند از این قاعده برای اثبات مسئولیت کسی که عامل ضرر بوده است استفاده می‌کنند ولی بیش‌تر کسانی که حکم ضرری را منتفی می‌دانند قاعده لا ضرر را برای اثبات ضمان قهری کافی نمی‌دانند استناد به این قاعده را برای اثبات مسئولیت

مدنی نوعی تأسیس در فقه و بدعت می‌دانند، و می‌گویند قاعده لا ضرر نفی حکم می‌کند نه اثبات موضوع (نائینی، ج ۲: ۲۹۴).

کلاً هدف اصلی از قاعده لا ضرر در اینگونه موارد جبران زیان وارده و تدارک ضرری است که شخص رسیده، و این از فروغ و لوازم نفی حکم ضرری می‌باشد و باقی گذاردن منبع ضرر در حکم رضایت شارع تأثیر آن در آینده است در حالی که همین منبع ضرر در حدیث لا ضرر نفی شده است چنانچه در قضیه سمره بن جندب نیز پیامبر قاعده لا ضرر را به عنوان مقدم و دلیل صدور حکم بر قلع درخت خرما اعلام فرمود (ناصر مکارم شیرازی، ج ۱: ۷۹).

علاوه بر آن به استناد ورود ضرر به دیگران، در ابواب مختلف مانند ارث، شفعه، وصیت، نکاح و طلاق مانند آن حکم به جبران خسارت شده است. بنابراین قاعده لا ضرر که مستفاد از حکم عقل و آیات و روایات فراوان است به معنای نفی هرگونه ضرر و خسارت به دیگران می‌باشد، مستلزم اثبات مسئولیت مدنی برای اشخاص است که موجب ورود خسارت به زیان‌دیده می‌شوند و قضات نیز از این امر مستثنی نیستند در مواردی که تصمیمات قضایی آن‌ها مبتنی بر تقصیر باشد و منجر به هرگونه ضرر مالی، بدنی، حیثیتی برای اشخاص شود در برابر آن اشخاص مسئولیت مدنی دارند، و در مواردی که خسارت وارده به اشخاص ناشی از خطا و اشتباه قضات باشد دولت مسئول پرداخت خسارت یا اعاده حیثیت اشخاص است.

جریان و تحقق مسئولیت مدنی قاضی در قوانین موضوعه

۱. قانون اساسی

در قوانین گاهی به طور مستقیم به مسئولیت مدنی قاضی تصریح شده مثل اصل یکصد و هفتاد و یک قانون اساسی که مقرر می‌دارد «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی و یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت

می‌گردد؛ و بعضاً از روح کلی حاکم این مقررات و قوانین می‌توان مسئولیت مدنی قاضی را استنباط کرد از جمله:

طبق بند ج اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است که از راه نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و هم‌بستگی ملی را تأمین می‌کند. بدین منظور طبق بند ۶ تا ۹ اصل سوم قانون اساسی هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی باید محو شود و در حدود قانون آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تأمین گردد و تبعیضات ناروا از بین رفته و امکانات عادلانه برای همگان ایجاد شود. طبق بند ۱۴ همین اصل دولت موظف است حقوق همه جانبه افراد ملت را تأمین کند و امنیت قضایی عادلانه برای عموم مردم و مساوات در برابر قانون را برای همگان حفظ و تأمین نماید.

طبق اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. طبق اصل بیست و دوم قانون اساسی، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

طبق اصل سی و دوم قانون اساسی، هیچ کس را نمی‌توان دستگیر نمود مگر به حکمی که قانون معین می‌کند، و در صورت بازداشت باید موارد اتهام با ذکر دلایل فوراً به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود، و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

طبق اصل سی و چهار قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد، اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و طبق اصل سی و ششم قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح، آن‌هم به موجب قانون باشد.

طبق اصل سی و هفت قانون اساسی، اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم افراد در دادگاه صالحه ثابت گردد.

طبق اصل سی و هشت قانون اساسی، هرگونه شکنجه برای اقرار گرفتن افراد و یا کسب اطلاعات ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقراری فاقد ارزش و اعتبارات متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. طبق اصل سی و نهم قانون اساسی، هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعیدشده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. از فحواي اصول فوق الذکر چنین استنباط می‌شود که طبق قانون اساسی ایران جان و مال آبرو و حیثیت اشخاص دارای احترام خاص بوده، و تعدی و تجاوز به هر یک از آنها بدون مجوز قانونی تحت هیچ شرایطی مجاز نیست، و تخطی از این اصول موجب مسئولیت کیفری یا مدنی متجاوز حسب مورد خواهد بود. قانونگذار در این اصل مصونیت مطلق قاضی را رد کرده است. در قانونگذاری ایران برای قضاات در مواردی که مقصر باشند در برابر اشخاص زیان‌دیده مسئولیت مدنی قرار داده است.

۲. قانون آئین دادرسی کیفری (جدید مصوب ۱۳۹۲)

طبق ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک: اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کند.

۲۵۹ همین قانون اشعار می‌دارد. جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۵ این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضائی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند.

۳. قانون مجازات اسلامی

- ماده ۵۳۴: هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایف‌شان مرتکب جعل و تغیر

شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دهند. علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

این ماده منحصرأً مربوط به جعل معنوی است که از ناحیه مأمورین دولتی و مراجع قضایی ارتکاب یافته باشد. قاضی با ارتکاب این عمل موجبات اضرار به اشخاص یا شخص دیگری را فراهم می‌آورد، گرچه در این ماده مسئولیت مراجع قضایی منوط به تقصیر نشده است و فرقی بین اشتباه و تقصیر را بیان ننموده است ولی اگر به اشتباه و از روی خطای شغلی مرتکب جرم موضوع این ماده شود و این اشتباه سبب ضرر اشخاص دیگری گردد نباید برای قاضی قائل به مسئولیت مدنی شد زیرا بنا بر قاعده احسان هر کس با انگیزه خدمت و نیکوکاری موجب ورود خسارت به آن‌ها شود اقدام‌اش ضمان‌آور نیست ولی با توجه به اینکه به هر صورت ضرر شخص زیان‌دیده باید جبران شود می‌توان به استناد اصل ۱۷۱ قانون اساسی گفت جبران خسارت این شخص بر عهده دولت است.

- ماده ۵۹۷: هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانونی از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تأخیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند، دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

این ماده در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از امتناع از رسیدگی است با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیاید و اگر نیاید به استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید، و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد.

همچنین ماده ۳ ق.آ. د. م: قضات دادگاه‌ها موظفانند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده حکم متقاضی صادر و یا فصل خصومت نمایند در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند، یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد به استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزند و الاً مستنکف از احقاق حق ساخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

- ماده ۴۰۴: هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آن‌ها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید، یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

- ماده ۶۰۵: هر یک از مأمورین ادارات و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ که از روی غرض و برخلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس از سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.

- ماده ۵۷۸: هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

نتیجه بحث

آنچه که از این مقاله مستفاد است این است که قاضی نیز مانند سایر افراد جامعه ممکن است در نحوه رسیدگی و فرایند دادرسی و انشاء رای و صدور حکم در اثر تقصیر و اشتباه سبب ضرر و خسارتی گردد و نمی‌توان وی را به بهانه موقعیت شغلی مبسوط الید و همچنین بدون مسئولیت و مطلق العنان رها نمود و ایشان با توجه به مبانی اسلام خصوصاً قرآن و روایات و قواعد فقهی مستند به روایات چون قاعده ضمان و لا ضرر و

غیره مسئول است و بایستی پاسخگوی تصمیمات مقتضی خود باشد و به صرف مصونیت قضائی، رفع مسئولیت در مقابل جان و مال دیگران از وی نخواهد شد و این مسئولیت هم مستنبط از روح حاکم بر اصول قانونی اسلام و منابع فقهی است، و هم مورد تنصیص قانونگذار در قوانین موضوعه قرار گرفته است.



کتابنامه

قرآن کریم

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ۱۳۸۴ش، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ پانزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

حسینی نژاد، حسینقلی. ۱۳۷۰ش، **مسئولیت مدنی**، تهران: انتشارات یلدا.

دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **لغتنامه دهخدا**، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

سیاح، احمد. ۱۳۵۴ش، **فرهنگ جامع**، چاپ دوازدهم، تهران: کتابفروشی اسلامی.

شمس، عبدالله. ۱۳۹۲ش، **قانون مجازات اسلامی**، چاپ نخست، تهران: انتشارات دراک.

شیخ حر عاملی. ۱۴۰۱ق، **وسائل الشیعه**، بی جا: انتشارات مکتبه الاسلامیه.

طباطبایی، سید محمد کاظم. ۱۳۳۹ش، **ملحقات عروة الوثقی**، نجف اشرف: چاپ حیدریه.

عمید، حسن. ۱۳۵۳ش، **فرهنگ عمید**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

کاتوزیان، ناصر. ۱۳۷۴ش، **حقوق مدنی الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری)**، تهران: انتشارات میزان.

محقق داماد، مصطفی. ۱۳۸۲ش، **قواعد فقه بخش مدنی**، تهران: مرکز نشر علوم انسانی.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۱۶ق، **انوار الأصول**، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین.

منصور، جهانگیر. ۱۳۹۱ش، **قانون اساسی - مدنی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ چهل و پنجم، تهران: نشر دوران.

منصور، جهانگیر. ۱۳۹۱ش، **قانون آئین دادرسی مدنی**، چاپ چهل و سوم، تهران: نشر دوران.

مهدی پور، مصطفی. ۱۳۹۳ش، **قانون آئین دادرسی کیفری**، تهران: اندیشه عصر.

میرزای نائینی. بی تا، **منیة الطالب**، بی جا: بی نا.

نجفی، محمد حسن. ۱۹۸۱م، **جواهر الکلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ولیدی، محمد صالح. ۱۳۸۶ش، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

هاشمی، سید محمد. ۱۳۹۲ش، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات میزان.

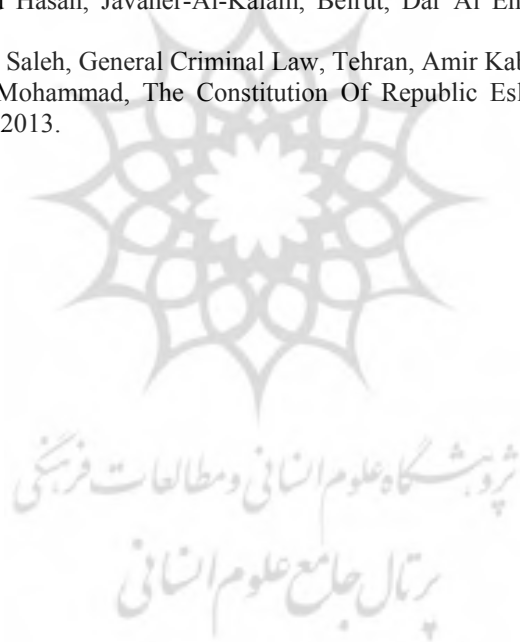
Bibliography

The Great Quran.

Jafari Langeroodi, Mohammad Jaafar, Law Terminology, Tehran, The Library Of Ganj-E-Danesh, 15th Edition, 2005.

Hoseini Nejad, Hoseingholi, Civil Liability, Tehran, Yalda Publication, 1991.

- Dehkhoda, Ali Akbar, Dehkhoda's Dictionary, Tehran University Press, 1998.
- Sayyah, Ahmad Farhang Jamee, Tehran, Islamic Bookshop, 12th Edition, 1975.
- Shams, Abd-Allah, Islamic Criminal Law, Tehran, Darak Publication, 1st Edition, 2013.
- Sheikh Horr Amoli, Vasael-Al-Shie, The Publication Of Maktab-Al-Eslamieh, 1981.
- Tabatabaee, Seyyed Mohammad Kazem, Molhaghat Orvat-Al-Vosgha, Najaf, Heydarieh Publication, 1960.
- Amid, Hasan, Farhang-E-Amid, Tehran, Amir Kabir Publication, 1974.
- Katoozian, Naser, Civil Liability Of Non-Contractual Requirements (Automatic Guarantee), Tahrn, Mizan Publication, 1995.
- Mohaghegh Damad, Mostafa, Juridical Principles Of Civil Part, Tehran, The Publication Center Of Humanities, 2003.
- Makarem Shirazi, Naser, Anvar-Al-Osoul, Emam Amir-Al-Moemenin, Qom, 1995.
- Mirzaee Naeeni, Monieh-Al-Taleb, Without Publication And Date.
- Mansour, Jahangir, Constitution- Civil Law Of Republic Islamic Of Iran, Tehran, Doran Publication, 45th Edition, 2012.
- Mansour, Jahangir, Civil Proceeding Law, Tehran, Doran Publication, 43rd Edition, 2013.
- Mehdo Pour, Mostafa, Criminal Proceeding Law, Tehran, Andisheh Asr , 2014.
- Najafi, Mohammad Hasan, Javaher-Al-Kalam, Beirut, Dar Al Ehya Al Taras Al Arabi, 1981.
- Validi, Mohammad Saleh, General Criminal Law, Tehran, Amir Kabir Publication, 2007.
- Hashemi, Seyyed Mohammad, The Constitution Of Republic Eslamic Of Iran, Tehran, Mizan Publication, 2013.



Quranic and Traditional Principles of Judge's Civil Responsibility and its Stream in Positive Law

Mahdi Bahreghmand: PhD Candidate, Jurisprudence & Law, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Isfahan

Ahmad Reza Tavakoli: Assistant Professor, Jurisprudence & Law, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Isfahan

Mohammad Hadi Mahdavi: Assistant Professor, Jurisprudence & Law, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Isfahan

Abstract

The present paper studies Quranic and traditional civil responsibilities of judges due to their mistakes and faults. According to the important position of judgment which is based on administration of justice and right, a judge should have specific characteristics in order to play his vital role in administrating individual as well as social justice; to achieve this, judicial system needs informed and magistrate judges who are educated in legal and jurisprudence courses; they should be unbiased and judge only and only based on law, judge and equity. They also should be responsible for their mistakes and faults because of their decisions to prevent disappointment in juridical system.

Keywords: coercive bail, verdict, immunity, judgment.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی